کاشانه
سبک زندگی و خانواده ۸۸۵۳۰۶۰
محبوبه قربانی
پرونده
سبک‌زندگی بسیجی

سردار علی ناظری، مشاور سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های سپاه و بسیج:

جان‌فدایی مردم در بحران‌ها نشانه اعتماد آنها به بسیج است



در بحران‌هایی مثل جنگ‌های اخیر ۱۲روزه و رمضان، حضور مردمی که به این تفاوت از کنار اتفاقات نگذشتند و برای کمک، دفاع از کشور و همراهی با یکدیگر پای کار آمدند، پیش از همیشه به چشم آمد و می‌آید. این جان‌فدایی‌ها نشان از اعتماد و احساس تعلق مردم ظرفیت بزرگی برای عبور از شوک‌های ماهیت‌اما این اعتماد یک شبه پیش نیامد و وقتی مجموعه‌هایی مثل بسیج در کنار مردم قرار گرفتند و پیگیر مشکلات و نیازهای آنان شدند این حلقه اعتماد شکل گرفت. پنجم آذر، سالروز صدور فرمان تاریخی امام خمینی(ره) برای تشکیل بسیج مستضعفین است؛ مجموعه‌ای که از ابتدا بر حضور و مشارکت مردم تکیه داشت. اما این همراهی چگونه شکل می‌گیرد و چه چیزی مردم را به میدان می‌آورد تا در روزهای سخت، بی‌تفاوت از کنار مشکلات نگذرند؟ سردار علی ناظری، مشاور سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های سپاه و بسیج معتقد است، واکنش‌های قلبی مردم در بحران‌ها را باید نشانه‌ای از اعتماد آنان دانست. اعتمادی که با حضور در کنار مردم و پیگیری نیازهایشان تقویت می‌شود. در این گفت‌وگو درباره ریشه‌های این اعتماد و نقشی که بسیج در گسترش مشارکت اجتماعی باوی صحبت کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■■■

بسیج در نگاه امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب، صرفاً یک سازمان یا نیروی دفاعی نیست و ابعاد گسترده‌تری دارد. این نگاه را چگونه می‌توان توضیح داد و بسیج از چه جایگاهی در تحقق نقش مردم در پیشرفت و اداره کشور برخوردار است؟

این فرمان در شرایطی صادر شد که پس از تسخیر سفارت آمریکا و لانه جاسوسی در ۱۳آبان همان سال، تهدیدهای امپریالیسم برای انقلاب اسلامی به بسیاری از جدی‌ترین ریسک‌های امنیتی تبدیل شده بود. آنها بر این باور داشتند انقلاب اسلامی به بسیاری از ویژگی‌های یک جنبش مردمی که در آن توده‌ها، بدون سازمان‌دهی و رهبری مشخص، علیه رژیم حاکم قیام کرده‌اند، دچار ضعف ساختاری است و با فشار و تحریم از پا درخواهد آمد. اما امام خمینی(ره) با تشخیص این نقطه ضعف، بسیج را تأسیس کرد تا این خلأ را پر کند. بسیج از همان ابتدا، نه یک نهاد نظامی صرف، بلکه یک سازمان مردمی بود که در کنار نیروهای مسلح، وظایف مهمی در حوزه‌های گوناگون بر عهده گرفت. از همین رو، بسیج را نمی‌توان صرفاً یک نیروی دفاعی دانست. بسیج در عمل، ترکیبی از یک نهاد مردمی، یک سازمان اجتماعی و یک بازوی حمایتی برای نظام است. به همین دلیل هم هست که بسیج را نمی‌توان صرفاً با یک دوره خاص یا یک نهاد مشخص تعریف کرد. بسیج، روحیه‌ای است که در بستر جامعه شکل گرفته و در شرایط مختلف، به شکل‌های متفاوت بروز کرده است. به همین دلیل هم هست که بسیج را نمی‌توان صرفاً با یک دوره خاص یا یک نهاد مشخص تعریف کرد. بسیج، روحیه‌ای است که در بستر جامعه شکل گرفته و در شرایط مختلف، به شکل‌های متفاوت بروز کرده است.

اصلاح واقعی در عملکرد تبدیل کرد؟

بافاطمیت می‌توان گفت مردم و جامعه نسبت به آینده خود و آینده کشورشان متعهد هستند و از طرفی، مجموعه‌ها و نهادهای انقلابی و خدمت‌رسانی مانند سازمان بسیج را به‌خوبی می‌شناسند. بنابراین، مسئولان بسیج نباید از ارتباط با اقشار مختلف مردم و شنیدن انتقادات آنها غافل می‌داشته باشند. نباید نگران باشند که مبادا این انتقادات به جایگاه بسیج لطمه بزند یا اعتماد مردم را از بین ببرد. بسیاری از نقطه نظرات مردمی، چه از سوی افراد عادی و چه از سوی نخبگان و دلسوزان جامعه، با هدف رفع معایب و اصلاح کارها و برنامه‌ها مطرح می‌شود. بنابراین، مسئولان نباید این نظرات را فرصتی برای اصلاح عملکرد خود ببینند و از آنها استقبال کنند. البته این موضوع را باید از نقطه نظرات سیاسی و جانب گرایانه بر خی افراد که تحت‌تأثیر شبهه‌افرینی دشمنان بیگانه با خودباورنگذاری قرار دارند، تفکیک کرد.

احترام به این تفاوت‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی مردم چه نقشی می‌تواند در افزایش اعتماد عمومی و مشارکت آنها در فعالیت‌های جمعی داشته باشد؟

کشور عزیز ایران سرزمینی است که در آن انواع تفاوت‌های قومی، نژادی، دینی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی وجود دارد. اگر نگاه ما به این تفاوت‌ها، خدای نکرده نگاهی تهدید محور باشد، کشور، نظام حاکم و مردم همواره با مشکلات و گرفتاری‌های متعددی روبه‌رو خواهند شد و هیچ کس در کوتاه‌مدت و بلندمدت روی خوشی نخواهد دید. اما امروز نظام مقدس جمهوری اسلامی، رهبری نظام و مسئولان، به این تفاوت‌ها به عنوان یک فرصت نگاه می‌کنند و تهدید نمی‌بینند. بنابراین این نکته بسیار مهم و اساسی است که در انتخاب افراد و سپردن مسئولیت‌ها به آنها دقت شود.

چگونه می‌توان فعالیت‌های بسیج را با نیازهای واقعی هر محله و اولویت‌هایی که خود مردم تعیین می‌کنند، هماهنگ کرد؟

اگر بسیج را به عنوان یک یک روش و راحل ببینیم، نقش مردم هر محله با حضور در مسجد و پایگاه‌های مقاومت و با استفاده از ظرفیت بزرگان، نخبگان و سرآمدان محله، در شناخت نیازها و مسائل و اولویت‌بندی آنها، نقشی اصلی و تعیین کننده خواهد بود. همانطور که اشاره شد، باید اقدام هر محله نسبت به اهداف و برنامه‌های خدمت‌رسانی سازمان بسیج در محله خود آگاهی و توجه لازم را داشته باشند و به صورت رسمی از آنها درخواست همکاری و همراهی دعوت شود. بدون تردید ارتباط گرفتن با مردمی که سلیقه‌ها، عقاید و فرهنگ‌های متفاوتی دارند به افرادی با بینش و سعه صدر، بالا نیاز دارد. همچنین باید این موضوع برای مسئولان و مجموعه بسیج پذیرفته شده باشد که جمع‌بندی و نظر اکثریت لزوماً به معنای حق نیست و حق را نظر بسیجی محاقله نباید باید مورد احترام قرار بگیرد و مجموعه بسیج خود را به اجرای آن ملتزم بداند. ممکن است در برخی حوزه‌ها اتفاقات، نظر مردم متفاوت از نظر مسئولان باشد اما رهبری جامعه خود را به نظرات مردم ملتزم می‌داند. امانمین انتظار نیز در طول حیات سیاسی خود در نظام مقدس جمهوری اسلامی، همواره به انتخاب اکثریت مردم پایبند بوده‌اند. این رویکرد هم برای نظام و هم در میان مردم اعتمادبخش و اطمینان‌آور است و هم در مجموعه‌های اجتماعی و خدمت‌رسانی مانند سازمان بسیج می‌تواند چنین اثری داشته باشد.

بنابراین شنیدن نقدها و خواسته‌های مردم در فعالیت‌های اجتماعی بسیج می‌تواند به چالش و ویژه داشته باشد. چگونه این شنیدن‌ها را به نهادهای مردمی و خدمتگزاری مانند بسیج می‌بدل شود، مردم احساس مثبتی نسبت به آن مجموعه پیدا می‌کنند و اطمینان خاطر در آنها به وجود می‌آید.

چرا گاهی فعالیت‌های خیر خواهانه، با وجود نیت مثبت، نمی‌توانند اعتماد و همراهی مردم را جلب کنند؟ چه رفتارهایی ممکن است میان یک مجموعه اجتماعی و مردم فاصله ایجاد کند؟

قاعدتاً فعالیت‌های خیر خواهانه نباید نتیجه‌ای جز اطمینان‌بخشی و جلب اعتماد مردم داشته باشند مگر اینکه فضای خدمت رسانی دچار آلودگی‌های سیاسی یا شبهه پراکنی بیگانگان خارجی شده باشد. متأسفانه یکی از زیبا توجهی‌های برخی مسئولان، دنبال کردن افتراض سیاسی حتی در حوزه‌های اجتماعی و خدمت‌رسانی علیه بعضی خواسته‌های آنها



نه صرفاً در توصیه‌های آنها

مسئولیت‌پذیری چه ارتباطی با باور و همیاری دارد؟

گرچه مسئولیت‌پذیری از نظر مفهومی با باور و همیاری تفاوت دارد اما در عمل به این دو نیازمند است. کسی که مسئولیت کاری را می‌پذیرد و می‌خواهد آن را تا پایان به سرانجام برساند گاهی ناچار است بخشی از کار دیگران را هم انجام دهد، زحمت بکشد و در این مسیر دیگران را تحمل کند. برای موکب، ایستگاه صلواتی یا کمک مالی، مسئولیت‌پذیری می‌تواند به هستند درحالی که ممکن است خودشان از این فعالیت‌ها لذت زیادی ببرند. اینکه باور واقعی زمانی آشکار می‌شود که فرد از چیزی که دوست دارد به نفع خواسته مهم‌تری بگذرد. برای مثال، مادری را تصور کنید که به شنیدن دعای کمیل علاقه زیادی دارد اما فرزند کوچکش می‌خواهد بروزنده کودک تماشا کند. اگر مادر بتواند از برنامه مورد علاقه خودش بگذرد و فرصتی برای خواسته فرزندش فراهم کند این رفتار برای کودک معنای ملموس‌تری از ایثار دارد. بنابراین، فرزندان باید ایثار را در رفتارهای روزمره والدین ببینند.

حال بفرمایید، از کجا می‌توان فهمید که فعالیت‌های یک مجموعه اجتماعی مانند بسیج، به اعتماد عمومی و مشارکت مردم منجر شده است؟ چه نشانه‌هایی را باید در زندگی محله و فرزند مردم جست‌وجو کرد؟

عکس‌العمل مثبت مردم و میزان اعتماد آنها به مجموعه‌های اجتماعی مانند بسیج، در شرایط مختلف متفاوت است. شاید لازم نباشد مردم هر روز نسبت به یک حرکت یک مجموعه عکس‌العمل مثبت، ابراز نظر یا عکس‌العمل آشکاری داشته باشند، اما بدون شک، واکنش اصلی و باطنی آنها رویکرد و برخورد مثبت و قلبی‌شان دارد. این نشانه‌ها در شرایط سخت و بحرانی، مانند جنگ‌ها و فشارهایی که دشمنان از داخل یا خارج ایجاد می‌کنند خود را بروز می‌دهند و آشکار می‌شوند



چگونه می‌توان فعالیت‌های بسیج را به گونه‌ای طراحی کرد که خود مردم تعیین می‌کنند، هماهنگ کرد؟

ممکن است نوجوان همان چیزی را در جامعه احرا کند که از والدینش یاد گرفته است. اگر پدرومادر در عمل همدلی و ایثار نداشته‌اند و فقط فشارهای ظاهری نشان داده‌اند، فرزند هم ممکن است همین الگو را یاد گرفته باشد. گاهی نوجوان والدآفسانی همدردی دارد اما برای اقدام عملی دچار ترس و تردید می‌شود. این ترس می‌تواند از رفتار والدین منتقل شده باشد. مثلاً خانواده در موقعیتی که کسی به کمک نیاز داشته، از ترس درنیاز مشارکت می‌کند، از کنار او عبور کرده‌اند. نوجوان هم به تدریج یاد گرفته است که وارد چنین موقعیت‌هایی نشود. برای جبران این وضعیت والدین می‌توانند از کمک‌های کوچک و مقطعی شروع کنند. اگر نمی‌توانند از نوجوان انتظار داشته باشند از همان ابتدا کار بزرگی انجام دهد. تجربه‌های ساده کمک‌می‌کند ترس و تردید او کمتر شود و احساس همدردی‌اش راه پیدا کند.

والدین چگونه می‌توانند نوجوان را نسبت به مشکلات جامعه حساس کنند بدون اینکه احساس کند بابد همه مشکلات را به تنهایی حل کند؟

اگر نوجوان را به درستی نسبت به مشکلات جامعه حساس کنیم، نگاه او از فرد به اجتماعی تغییر می‌کند. نوجوانی که نگاه اجتماعی دارد، جامعه را مانند یک وجود واحد و یک شخصیت بزرگ می‌بیند و جایگاه خودش را در این مجموعه پیدا می‌کند. در چنین نگاهی، فرد نسبت به همه مشکلات جامعه را حل کنم یا بلکه باید نقش خودم را بشناسم و بفهمم که در این مجموعه، احساس آشفتگی و سردرگمی نوجوان گاهی از نگاه فردی به مشکلات ناشی می‌شود. اینکه تصور می‌کند باید همه چیز را

سرهنگ پاسدار علی اسماعیلی، مسئول بسیج دانش‌آموزی سپاه کربلا:

انتقال فرهنگ بسیجی برای نقش‌آفرینی نسل جدید در پیشرفت کشور ضروری است



سرهنگ پاسدار علی اسماعیلی، مسئول بسیج دانش‌آموزی سپاه کربلا، در گفت‌وگو با «جوان» با تأکید بر ضرورت به‌روزرسانی شیوه‌های فرهنگی و اعتماد عملی به نسل جوان، فرهنگ بسیجی را مهم‌ترین سرمایه‌ی پر اخلاص، مسئولیت‌پذیری، ایثار و جهادی می‌داند. او معتقد است که مهم‌ترین وظیفه‌ی امروز ما، انتقال فرهنگ بسیجی به نسل جدید است؛ نسلی که با فضای فکری و رفتاری متفاوت از گذشته شکل گرفته و برای حرکت به سوی آینده، نیازمند الگوهای تازه‌ای است. او تأکید می‌کند که بسیج باید با حفظ اصالت‌های خود، خلاقانه و متناسب با زبان و ذهنیت نسل امروز عمل کند. گفت‌وگوی ما با او را در ادامه می‌خوانید.

مهم‌ترین مؤلفه‌های شیوه‌ی زندگی بسیجی چیست و این مؤلفه‌ها چگونه می‌توانند تا محیط خانواده نیز نفوذ پیدا کنند؟

در پاسخ به این سؤال که مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی بسیجی چیست، باید گفت بسیج در واقع یک فرهنگ و تفکر است که بر پایه دغدغه‌مندی، مسئولیت‌پذیری و حضور فعال در عرصه‌های مختلف شکل گرفته است. یک بسیجی باید در همه صحنه‌ها، متناسب با تخصص و توانایی خود، پیشرو و اثرگذار باشد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این فرهنگ، می‌در د. وقتی فرد، زندگی خود را در مدار بندگی خداوند و خدمت به خلق قرار می‌دهد، در واقع در حال بازتعریف مفهوم «خود» است. او بادمی گیرد که زیستن، یعنی تبدیل شدن به یلی برای عبور دیگران. یعنی تبدیل شدن به دستی که در لحظات بحران، لرزش زندگی را مهار می‌کند و به دیگران آرامش می‌بخشد. این همانجایی است که «ماتلندگی» رخ می‌دهد؛ جایی که انسان با گذشتن از مرزهای تنگ منافع شخصی، به شکلی از زندگی می‌رسد که هیچ ما یا تی قادر به توصیف آن نیست، اما این ماتلندگی، تنها در خلوت نیایش‌ها معنا نمی‌یابد، بلکه در میدان «سازندگی» متجلی می‌شود. سبک زندگی بسیجی، سبکی است که در آن، ایمان، دست‌ها و گام‌ها به کار می‌گیرد. این سبک، در میان هیاهوی مدرنیته که انسان را به مصرف گرایی و انزوا سوق می‌دهد، ندا می‌دهد که معنای واقعی زندگی در «ساختن» است؛ ساختن امنیت، ساختن اعتماد، ساختن پیوندهای اجتماعی و ساختن آینده‌ای که در آن، هیچ‌کس تنها نماند. پنجم آذر در روز بسیج مستضعفین، الگوی خوبی است تا با ناگاهی جامع «بسیج» و «فرهنگ بسیجی» را فقط در جایگاه یک نهاد سازمانی و تشکیلاتی، بلکه به عنوان منشی تحول‌گرا و انسان‌دوستانه و مصداق کاملی از زندگی تعالی‌جویانه به نقد و بررسی بنشینیم.

«بسیج» زندگی در مرز بندگی و بالندگی

■ حسین گل‌محمدی

«بسیج» یک از تنش ۲۰ میلیونی برای حفظ وطن در مقابل حمله نظامی بیگانگان است. «بسیج» یک پایگاه منسجم برای ایجاد نظم و آرامش در محله و شهر هنگام وقوع بحران است. «بسیج» یک گروه متخصص برای توسعه علمی و فناوری کشور در همه زمینه‌هاست. «بسیج» یک گروه جهادی برای محرومیت‌زدایی است. «بسیج» یک گروه امدادی برای کمک به هنوعان در حوادث غیرمترقبه است. «بسیج» یک فرد، یک خانواده، یک جامعه مؤمن و مخلص، باانگیزه و مسئولیت‌پذیر، دلسوز و مهربان، فداکار و ایثارگر، دیگرخواه و نوع‌دوست است. «بسیج» یک زندگی متعالی در مرز بندگی و بالندگی با هدف سازندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی است.

آری، زندگی فراتر از تکرار روزمرگی‌های مادی و گذار از زمان‌های بی‌هدف، تجربه‌ای است که معنا را در پیوند میان «خود» و «دیگری» می‌جوید. در میان انبوه سبک‌های زیستن که جهان امروز با آنها بسیاری از ما را سرگرم کرده است، نوعی از زیستن وجود دارد که نه بر پایه «من»، بلکه بر مدار «ما» می‌چرخد؛ زیستنی که در آن، مرز میان فرد و جامعه، میان نیازهای شخصی و وظایف اجتماعی، یا رشته‌های ظریف ایمان و ایثار گره خورده است. ما از این سبک زندگی سخن می‌گوییم؛ سبکی که در فرهنگ ما، با نام «بسیج» پیوند خورده است، اما نه به معنای واژه‌ای محدود در تقویم‌های سیاسی، بلکه به مثابه یک «هنر زیستن».

بسیج، در عمیق‌ترین لایه‌های معنایی خود، نقطه‌ای است که در آن «من»ی «به لانه‌ای» تبدیل می‌شود. بندگی، به معنای تسلیم در برابر حق و حقیقت، تنها یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه محرکی است که انسان را از زمین خودخواهی به آسمان تعالی می‌برد. وقتی فرد، زندگی خود را در مدار بندگی خداوند و خدمت به خلق قرار می‌دهد، در واقع در حال بازتعریف مفهوم «خود» است. او بادمی گیرد که زیستن، یعنی تبدیل شدن به یلی برای عبور دیگران. یعنی تبدیل شدن به دستی که در لحظات بحران، لرزش زندگی را مهار می‌کند و به دیگران آرامش می‌بخشد. این همانجایی است که «ماتلندگی» رخ می‌دهد؛ جایی که انسان با گذشتن از مرزهای تنگ منافع شخصی، به شکلی از زندگی می‌رسد که هیچ ما یا تی قادر به توصیف آن نیست، اما این ماتلندگی، تنها در خلوت نیایش‌ها معنا نمی‌یابد، بلکه در میدان «سازندگی» متجلی می‌شود. سبک زندگی بسیجی، سبکی است که در آن، ایمان، دست‌ها و گام‌ها به کار می‌گیرد. این سبک، در میان هیاهوی مدرنیته که انسان را به مصرف‌گرایی و انزوا سوق می‌دهد، ندا می‌دهد که معنای واقعی زندگی در «ساختن» است؛ ساختن امنیت، ساختن اعتماد، ساختن پیوندهای اجتماعی و ساختن آینده‌ای که در آن، هیچ‌کس تنها نماند. پنجم آذر در روز بسیج مستضعفین، الگوی خوبی است تا با ناگاهی جامع از «بسیج» و «فرهنگ بسیجی» را فقط در جایگاه یک نهاد سازمانی و تشکیلاتی، بلکه به عنوان منشی تحول‌گرا و انسان‌دوستانه و مصداق کاملی از زندگی تعالی‌جویانه به نقد و بررسی بنشینیم.



برای انتقال فرهنگ بسیجی به نسل جدید، باید بجای تأکید صرف بر کفتار و شنیدن، زمینه مشاهده، تجربه و لمس این فرهنگ را فراهم کنیم. هرچه فعالیت‌ها را از نظر بصری و عملی غنی‌تر و متناسب‌تر با نگاه دانش‌آموزان باشد، تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت و می‌توانیم این فرهنگ را به شکل عمیق‌تر و ماندگارتری به نسل آینده منتقل کنیم

بسیج از چه زمانی و با چه هدفی شکل گرفت و چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است؟

بسیج در ۵ آذر ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی(ره) تأسیس شد. ایشان در آن زمان، با توجه به تهدیدهای گسترده‌ای که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کرد، دستور دادند که نیروهای مردمی در کنار ارتش و سپاه شکل بگیرند تا از دستاوردهای انقلاب دفاع کنند. از همان ابتدا، بسیج نه‌تنها یک نهاد نظامی، بلکه یک سازمان مردمی بود که در کنار نیروهای مسلح، وظایف مهمی در حوزه‌های گوناگون بر عهده گرفت. از همین رو، بسیج را نمی‌توان صرفاً یک نیروی دفاعی دانست. بسیج در عمل، ترکیبی از یک نهاد مردمی، یک سازمان اجتماعی و یک بازوی حمایتی برای نظام است. به همین دلیل هم هست که بسیج را نمی‌توان صرفاً با یک دوره خاص یا یک نهاد مشخص تعریف کرد. بسیج، روحیه‌ای است که در بستر جامعه شکل گرفته و در شرایط مختلف، به شکل‌های متفاوت بروز کرده است. به همین دلیل هم هست که بسیج را نمی‌توان صرفاً با یک دوره خاص یا یک نهاد مشخص تعریف کرد. بسیج، روحیه‌ای است که در بستر جامعه شکل گرفته و در شرایط مختلف، به شکل‌های متفاوت بروز کرده است.

سبک زندگی بسیجی از انتخاب‌های کوچک آغاز می‌شود

کریمی در تشریح چگونگی شکل‌گیری فرهنگ بسیجی اظهار کرد: برای فهم این موضوع باید به عادت‌ها و انتخاب‌های روزمره انسان توجه کنیم. سبک زندگی بسیجی یک‌باره و صرفاً حضور در یک تشکیلات شکل نمی‌گیرد، بلکه ریشه در انتخاب‌هایی است که فرد در زندگی شخصی و اجتماعی خود انجام می‌دهد، به‌ویژه در موقعیت‌هایی که با دوراهی‌های اخلاقی و انسانی روبه‌رو می‌شود.

وی توضیح داد: انسان در خلوت خود در موقعیت‌های مختلف زندگی با انتخاب‌هایی مواجه می‌شود که هرکدام می‌توانند مسیر رفتاری و شخصیت او را شکل دهند، برای مثال فرد باید تصمیم بگیرد در مسیری حرکت کند که به خدمت و پیشرفت کشور منتهی می‌شود یا خیر. یا اینکه در رفتاری دارای ثبات باشد که به منافع عمومی آسیب برساند، همچنین وقتی فرد نیازمندی برای دریافت کمک به او مراجعه می‌کند، باید انتخاب کند که بی‌تفاوت از کنار درخواست او عبور کند یا برای رفع مشکلش وقت بگذارد و قدمی برای حل آن بردارد. کریمی افزود: مجموع همین انتخاب‌های کوچک و خرده‌پای انسان‌ها در طول عمر به محیط‌های محدود اجتماعی شکل می‌گیرند، به‌تدریج فرهنگ راسخ را شکل می‌دهند و در نهایت به شکل‌گیری شخصیت و منش او منجر می‌شوند. در واقع فرهنگ بسیجی پیش از هرچیز در قالب یک عنوان یا مسئولیت سازمانی تعریف نشود، بلکه در قالب یک عنوان یا مسئولیت سازمانی تعریف ش